



از آرامستان بوده که در طی این سال‌ها تبدیل به منازل مسکونی شده است. زیرا حدود ۵۰ سال است که آرامستان تبدیل به پارک شده است.»



آرامستان ۶۰ ساله

با هر کدام از افراد داخل پارک که سن و سالی داشتند، در خصوص تاریخچه آرامستان که پرسیدم، اظهار بی‌اطلاعی کردند و برخی هم گفتند از زمانی که به یاد دارند، اینجا بوستان و کتابخانه بوده و قسمتی هم در این چند سال آخر به فرهنگسرای کودک اختصاص پیدا کرده است. به همین خاطر از پارک بیرون آمدیم و وارد کوچه حسینی‌باشی شدیم، تا با قدیمی‌های این کوچه هم کلام شویم شاید آن‌ها اطلاعات بیشتری در این زمینه داشته باشند.

هنگامی که با کسبه در این خصوص به گفتگو می‌پردازیم، آن‌ها می‌گویند حاجی حافظی که بیش از ۶۰ سال است در این کوچه مغازه حلی‌سازی دارد، می‌تواند اطلاعات خوبی در این زمینه ارائه دهد. به سراغش می‌رویم و در مغازه‌اش مهمان می‌شویم، او می‌گوید: «آن زمان که به این محله رفت و آمد می‌کردم و مغازه گرفته بودم، هنوز در این آرامستان میت دفن می‌کردند. تنها راه ورودی به این مکان هم کوچه نور بود، زیرا تمام این اطراف باغ انگوری بود و زمین‌های زراعی. اینجا غسالخانه‌ای نداشت، میت‌ها را در اول خیابان طبرسی که آرامستانی بود و غسالخانه‌ای داشت، می‌نشستند و سپس به اینجا می‌آوردند.

در وسط آرامستان یک اتاق کوچک بود که در و پنجره‌ای نداشت و حالت مخروبه به خود گرفته بود، نمی‌دانم شاید در گذشته از آن به عنوان غسالخانه استفاده می‌کردند، اما فکر می‌کنم که غسالخانه‌ای نبود.

راستش را بخواهید سواد ندارم به همین خاطر نمی‌دانم قدیمی‌ترین قبر به چه سالی بر می‌گردد، اما یاد می‌آید که برخی از این قبرها اسم و تاریخ نداشت تنها آجری بالای سنگ قبر بود که ابعادش ۲۰ در ۳۰ سانت بیشتر نبود. البته برخی دیگر که تازه تر دفن شده بودند از سنگ هرکاره (سنگی که دیزی سنگی از آن درست می‌شود)، سنگ قبری درست کرده بودند.»



چنارهای قدیمی گواه آرامستان است

از این کاسب قدیمی در خصوص غیرفعال شدن این آرامستان می‌پرسیم: «دقیقاً به یاد ندارم که چه سالی بود، اما هنگامی که جمعیت این محله زیادتر شد، دیگر اجازه دفن ندادند و اینجا تبدیل به بوستان و کتابخانه شد. تنها نشانه‌ای که از آن زمان مانده است، همین درخت‌های چناری است که برخی از آن‌ها هنوز پا بر جا هستند.»



سال ۳۷ پارک شد

در خصوص اینکه چه زمانی اجازه دفن دیگر داده نشده و این آرامستان تبدیل به بوستان شده است از اهالی و آن‌هایی که مویی سپید کرده بودند، پرسیدیم، بیشتر آن‌ها چیزی به خاطر ندارند و اظهار داشتند: «از زمانی که ما یادمان می‌آید یا ساکن این محله شدیم، اینجا پارک و کتابخانه بوده

است.» اما در این میان فاطمی که یکی دیگر از کسبه محله حسین‌باشی است و این روزها دوران بازنشستگی را سپری می‌کند، در زمینه تبدیل شدن آرامستان به پارک می‌گوید: «اگر درست به خاطرمانده باشد سال ۱۳۳۵ یا ۱۳۳۷ بود که دیگر اجازه دفن در این آرامستان را ندادند، اما تا چندین سال به طور مخفیانه و شبانه در اینجا مردم میت‌ها را دفن می‌کردند و بعد از اینکه بوستان شد، دیگر این قضیه هم منتفی شد.»



استخوان‌های بیرون آمده از پارک

در حال گفتگو با یکی از کسبه قدیمی بودیم که بانویی برای خرید وارد مغازه می‌شود، هنگامی که صحبت‌های ما را می‌شنود، او که خودش را فرحی معرفی می‌کند، خاطره جالبی در خصوص پارک دارد: «سال ۶۵ یا ۶۶ بود که دانش آموز دبیرستان بودم. آن سال‌ها کوچه‌های این محله را برای اتصال به گاز شهری بسیار عمیق کنده بودند.

هر روز برای رسیدن به دبیرستانم از کنار پارک عبور می‌کردم، ظهر که از مدرسه با دوستانم برمی‌گشتم، دیدیم که کنار پیاده‌رو استخوان‌های دست و پای اموات را روی هم گذاشتند. بعد شنیدیم که این استخوان‌ها را به آرامستان دیگری برده اند و دفن کرده اند.»

بیرون آمدن استخوان‌های پا و دست اموات را چندین تن دیگر از اهالی هم اشاره می‌کنند که در زمان گودبرداری برای گاز دیده اند. کتاب «گورستان‌های شهر مشهد و نامداران

اینکه نام آرامستان در گذشته چه بوده، یکی دیگر از پرسش‌هایی است که با اهالی در میان گذاشتیم. نیعمی که از کودکی در همین محله بزرگ شده است، در خصوص نام این آرامستان به ما می‌گوید: «آن طور که یاد می‌آید اسمش هاشم‌آباد بود که اهالی به طور مخفف به آن هاش‌آباد هم می‌گفتند.» اما در بررسی‌هایی انجام شده درباره این آرامستان قدیمی به کتاب «گورستان‌های شهر مشهد و نامداران



گورستان علی‌آباد

اینکه نام آرامستان در گذشته چه بوده، یکی دیگر از پرسش‌هایی است که با اهالی در میان گذاشتیم. نیعمی که از کودکی در همین محله بزرگ شده است، در خصوص نام این آرامستان به ما می‌گوید: «آن طور که یاد می‌آید اسمش هاشم‌آباد بود که اهالی به طور مخفف به آن هاش‌آباد هم می‌گفتند.» اما در بررسی‌هایی انجام شده درباره این آرامستان قدیمی به کتاب «گورستان‌های شهر مشهد و نامداران

هنگامی که جمعیت این محله زیادتر شد، دیگر اجازه دفن ندادند و اینجا تبدیل به بوستان و کتابخانه شد. تنها نشانه‌ای که از آن زمان مانده است، همین درخت‌های چناری است که برخی از آن‌ها هنوز پا بر جا هستند.